

جرایم تخلفات رانندگی چند برابر می‌شود

جانشین رئیس پلیس راهور گفت: جرایم تخلفات رانندگی ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش می‌یابد و ممکن است جریمه چراغ قرمز به یک میلیون تومان هم برسد.

سردار سیدتیمور حسینی گفت: سرعت غیرمجاز، سبقت غیرمجاز، تجاوز به چپ، حرکات ماریج و رانندگی در حالت مستی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز هستند که پیشنهاد افزایش این جرایم را از طریق وزارت دادگستری داده‌ایم و این موضوع در هیئت دولت مطرح می‌شود. جانشین رئیس پلیس راهور گفت: پیشنهاد داده‌ایم، جرایم رانندگی چند برابر شود و این افزایش بالای ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد است، چراکه جریمه تخلفات حادثه‌ساز باید بتواند بازدارندگی ایجاد کند و فلسفه جریمه با هزینه بالا ایجاد بازدارندگی آن است. سردار حسینی گفت: اگر هزینه جرم پایین باشد گاهی فرد تخلف را انجام می‌دهد، لذا در جهت افزایش بازدارندگی از تخلفات لازم است جرایم رانندگی افزایش یابد.

بازداشت جویندگان گنج در امامزاده بی‌بی

جویندگان گنج که در حال حفاری در امامزاده بی‌بی روستای خاوه شهرستان ورامین بودند، بازداشت شدند.
ماموران پلیس و اداره میراث فرهنگی شهرستان ورامین از حفاری در امامزاده بی‌بی روستای خاوه باخیر و در محل حاضر شدند. مأموران همزمان با حضور در محل متوجه شدند چند نفر در حال حفاری در امامزاده هستند که آنها را بازداشت کردند.

صاعقه جان زن روستایی را گرفت

زن روستایی که در حال جمع‌آوری گیاهان خوراکی در ارتفاعات آشنویه بسو، یا اصابت صاعقه فوت شد.
روز گذشته به امدادگران شهرستان آشنویه خبر رسید زنی ۲۴ ساله با اصابت صاعقه فوت شده‌است.
بررسی‌ها بعد از حضور در محل نشان داد زن جوان از اهالی روستای ملاعباسی در حال جمع‌آوری گیاهان دارویی در ارتفاعات بوده که با اصابت صاعقه دچار سوختگی و به علت شدت جراحت فوت شده است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

پرونده قتل برادر ورق می‌خورد

جلال مهرگان
پرونده مردی که از دو سال قبل به اتهام قتل برادرش در بازداشت به سر می‌برد در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی می‌شود.

اسفندماه ۱۴۰۰، مردی ۵۰ساله به نام احمد به اداره پلیس تهران رفت و گزارش یک قتل را اعلام کرد. او گفت برادر کوچکم میلاد مردی بداخلاقی بود که با او درگیر شدم و میلاد را به قتل رساندم. احمد در شرح ماجرا گفت: «میلاد شش سال از من کوچک‌تر و صاحب همسر و دو فرزند بود. او بداخلاق بود و همیشه همسر و بچه‌هایش را کتک می‌زد. من و مادر مدام به او تذکر می‌دادیم و می‌خواستیم با خانواده‌اش بداخلاقی نکند، اما به حرف ما توجهی نمی‌کرد.» متهم در شرح ماجرای قتل هم گفت: «یک

روز قبل از حادثه برادر هم‌راه همسر و بچه‌هایش به خانه پدری‌مان آمده بود. او بدون دلیل بچه‌اش را کتک زد که من ناراحت شدم و به او اعتراض کردم. برادر هم با من درگیر شد و خانه را ترک کرد. یک روز بعد از آن دوباره با هم مشاجره کردیم. او گفت که چرا در زندگی‌اش دخالت می‌کنم. بر سر این موضوع مشاجره‌مان بالا گرفت و با هم درگیر شدیم. در جریان درگیری بود که دستم را دور گردنش حلقه کردم که ناگهان بیهوش شد و روی زمین افتاد که متوجه شدم فوت شده‌است.»

متهم ادامه داد: «مادر و همسر برادر هم شاهد ماجرا بودند. آنها می‌دانستند که در دفاع از همسر برادرم با او درگیر شده بودم برای همین حرفی نزنند. بعد از آن جسد برادرم را به روستایمان در غرب تهران بردم. به اهالی روستا گفتم که برادرم در جریان سانحه فوت شده است برای همین جسد را دفن کردم.» متهم گفت: «بعد از آن دچار عذاب وجدان شدم و مدام با خودم درگیر بودم تا اینکه تصمیم به اعتراف گرفتم.»

با اعتراف متهم، مأموران پلیس به دستور بازپرس راهی روستای مورد نظر شدند و بعد از نبش قبر، جسد را به پزشکی قانونی منتقل کردند. گزارش پزشکی قانونی نشان داد میلاد بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گرن‌ف‌به قتل رسیده‌است. با کامل شدن بررسی‌ها، بازپرس متهم را به جرم قتل عمد مجرم شناخت و کیفرخواست علیه وی صادر و پرونده برای بررسی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. متهم در حالی مقابل هیئت قضایی پای‌میز محاکمه حاضر می‌شود که اولین قدم او درخواست‌گذشت کرده و رئیس قوه قضایی هم از طرف دو فرزند صغیر مقتول درخواست‌دهی از مطرح کرده‌است.

آزمین بینا

مردی که ۱۷ سال قبل به حالت قهر خانه‌شان را در تهران ترک کرده بود به تلاش پلیس پایتخت هنگام کار در یک رستوران شناسایی و به آغوش خانواده‌اش بازگشت.

چندی قبل زن جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و برای پیدا کردن برادرش که ۱۷ سال قبل به‌طور ناگهانی ناپدید شده بود درخواست کمک کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «خانه‌مان در یکی از خیابان‌های مرکزی تهران است و از سال‌ها قبل در همان خانه همراه پدر و مادرم زندگی می‌کنم. البته آن سال‌ها برادرم به نام فرهاد هم همراه ما زندگی می‌کرد تا اینکه آن روز تلخ فرا رسید و او برای همیشه ما را ترک کرد و از آن روز به بعد من در آرزوی دیدن برادرم هستم.»

مشاجره با پدر
وی در حالی که اشک پنهانی صورتش را خیس کرده بود، گفت: «زندگی خوبی داشتیم و همه با هم شاد بودیم و با کم و زیاد می‌ساختیم تا اینکه اختلاف پدر و برادرم شروع شد. برادرم جوان ۲۵ساله مغروری بود و پدرم نیز دلسوز ما، به همین دلیل تلاش می‌کرد ما را از تعلیمی‌کند تا در آینده زندگی خوبی داشته باشیم و با مشکلات کمتری روبه‌رو شویم. او به روش خودش نصیحت می‌کرد و همین موضوع هم باعث می‌شد گاهی با برادرم مشاجره لفظی کند. فرهاد پسر خوبی بود، اما تاب و تحمل حرف‌ها و نصیحت‌های پدرم را نداشت و هر روز هم که می‌گذشت

بازگشت پسر قهر کرده به خانه پس از ۱۷ سال

کمک‌مان کنبد
وی در پایان گفت: «الان ۱۷ سال از آن زمان می‌گذرد و من اطمینان دارم که برادرم زنده است، اما به دلایلی نمی‌خواهد ما را ببیند، به همین دلیل درخواست کمک داریم تا برادرم را پیدا کنیم و به خانه برگردانید تا دوباره خوشی و شادی به زندگی ما برگردد.»

با شکایت زن جوان، پرونده به دستور قاضی دادمحسین صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم غلامسرای امور جنایی تهران برای بررسی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان پلیس آگاهی بررسی‌های فنی در یافتند همان ۱۷ سال قبل اعضای خانواده در اداره پلیس اعلام شکایت کرده‌اند، اما مأموران پلیس هیچ ردی از پسر جوان پیدا نکرده‌اند. از سوی دیگر تحقیقات نشان داد پسر گمشده از کشور خارج نشده و حادثه‌ای هم برای او رخ نداده است. بدین ترتیب تحقیقات خود را برای پیدا کردن ردی از او آغاز کردند تا اینکه چند روز قبل متوجه شدند چند سال قبل سیمکارت تلفن همراهی در سامانه مخابرات به نام او ثبت شده است. از سوی دیگر مشخص شد همان سیمکارت الان در اختیار فرد ۴۳ساله‌ای افعال است. مأموران صاحب سیمکارت را که کارگر رستورانی در تهران است، شناسایی کردند و فهمیدند وی همان پسر گمشده به نام فرهاد است.

اشک شوق
بنابراین با شناسایی مرد گمشده مأموران وی را به دادسرا دعوت کردند. مرد گمشده وقتی وارد شعبه هفتم دادسرای امور جنایی

پزشک عمومی صحنه قتل برادر دندانپزشکش را بازسازی کرد



عمومی رفتند، اما متوجه شدند وی به مکان نامعلومی گریخته‌است. بدین ترتیب مأموران دستگیر شدند و وی هم در بازجویی به قتل دندانپزشک با همدمستی برادر مقتول اعتراف کرد.

وی گفت: «من سراپایار برادر مقتول هستم و چند سال است با او کار می‌کنم. رئیس تصمیم داشت کاندیدای مجلس شورای اسلامی شود و به همین دلیل مبلغی برای تبلیغات در اختیار برادرش قرار داد و پس از آن اختلافات آنها شروع شد. روز حادثه او برادرش را به محل کارش کشاند تا درباره اختلافشان با هم صحبت کنند، اما با هم درگیر شدند و با چکش او را به قتل رساند و از من هم خواست جسد او را بین ببرم.»

در حالی که متهم در بازجویی‌های بعدی به مشارکت در قتل مرد دندانپزشک اعتراف

حبس ۵ روزه دختر نوجوان در خانه مجردی

او به من ابراز علاقه کرد و پیشنهاد ازدواج داد. مدتی گذشت و ما همچنان با هم ارتباط داشتیم و چند بار می‌بیرون یکدیگر دیده‌بودیم تا اینکه روز حادثه دوباره با هم قرار ملاقات گذاشتیم. روز حادثه او مرا به زور به خانه‌ای در جنوب تهران برد و در آنجا در اتاقی حبس کرد. فرزند در این چند روز مسرا از داد تا اینکه پس از پنج روز وقتی از خانه برای کاری بیرون رفتم من شیشه پنجره را شکستم و فرار کردم.»

بازداشت
با به دست آمدن این اطلاعات مأموران فرزند را تحت تعقیب قرار دادند و یک روز قبل او را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم

درباره این حادثه آغاز کردند. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد دختر گمشده به نام گلنار از مدتی قبل با پسر جوانی به نام فرزند رابطه دوستانه داشت. است. از سوی دیگر مشخص شد وی روز حادثه با فرزند قرار ملاقات داشته که ناگهان ناپدید می‌شود. در حالی که تحقیقات برای شناسایی فرزند و پیدا کردن ردی از دختر گمشده ادامه داشت، به مأموران پلیس خبر رسید گلنار پس از پنج روز به خانه‌شان برگشته‌است.

آشنایی در اینستاگرام
مأموران به سرعت دختر گمشده رفتند و از وی تحقیق کردند. گلنار گفت: «ماه قبل با فرزند در اینستاگرام آشنا شدم. ارتباط ما ادامه داشت

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

شد پس از ۱۷ سال با خواهرش روبه‌رو شد و یکدیگر را در آغوش گرفتند. اشک شوق از چشمان برادر و خواهر جاری شده بود و هر دو از بازپرس جنایی و مأموران پلیس تشکر کردند که آنها را پس از سال‌ها دوری به هم رسانده بودند.

تولد دوباره

فرهاد در توضیح ماجرا گفت: «جوان بودم و مغرور، به همین دلیل صحبت‌های پدرم را دوست نداشتم. پدرم همیشه مرا نصیحت می‌کرد و می‌گفت من رو به راه نیستم و سرم به زندگی نیست. شب حادثه از صحبت‌های پدرم به شدت ناراحت شدم و با او قهر کردم و صبح هم از خانه بیرون رفتم و تصمیم گرفتم برای همیشه خانه را ترک کنم. برای ادامه زندگی به شهری دور رفتم و چند سالی در آنجا کارگری کردم و در این مدت هیچ خبری از خانواده‌ام نداشتم تا اینکه دوباره به تهران آمدم و در رستورانی مشغول به کار شدم. دلم برای خانواده‌ام تنگ شده بود، اما می‌خواستم خودم را ثابت کنم، به همین دلیل به خانه‌مان نرفتم. البته هر وقت دلتنگی به سراغم می‌آمد به نزدیکی خانه‌مان می‌رفتم و از دورا اعضای خانواده‌ام را می‌دیدم. الان که خواهرم را پس از ۱۷ سال در آغوش گرفتم تازه فهمیدم چه اشتباهی مرتکب شده‌ام که از خانه قهر کردم. خوشحالم از اینکه خواهرم در این مدت به فکرم بوده و تلاش او باعث شده مأموران پلیس مرا پیدا کنند و به آغوش خانواده‌ام بازگردانند.»

بدین ترتیب با پیدا شدن مرد گمشده، پرونده برای همیشه بسته و پایگانی شد.

حسین فصیحی

سقوط کرامت انسانی در تنگناهای معیشتی

سرنخ عمده آسیب‌هایی که جامعه به آن مبتلا می‌شود، به معضلات اقتصادی می‌رسد؛ معضلاتی که در سرگردانی دولت، هر لحظه بر دامنه آن اضافه می‌شود. ناکارآمدی به جای اینکه گشایشی در وضعیت معیشت آسیب‌پذیران ایجاد کند، بر گره‌های کور آن اضافه می‌کند. اینکه عده‌ای از مردم این‌روزها در تنگناهای معیشتی، ناگزیر شده‌اند در پارک‌ها، پایانه‌های مسافری، زیرپل‌ها، چادر یا بیفوله‌های خونفاک زندگی کنند، بیش از اینکه معضلی اجتماعی باشد، «اخلاق» را لکه‌دار می‌کند.

اخلاق که از قرن‌های گذشته، بزرگان اخلاق برای اعتلای آن رنج‌های بسیاری کشیده‌اند، از همین‌رو، روان‌نود در عصری که دولت میراث‌دار اخلاق و فرهنگ است، تلاش برای اعتلای اخلاق و فرهنگ آن به این آسانی به رنج برقی بقا تبدیل‌شود. در چنین وضعیتی بخش عمده‌ای از بدنه اجتماعی چاره‌ای ندارد جز اینکه اخلاق را زیر پا بگذارد و برای بقای خود تلاش کند.

اینکه داد‌گاه‌های خانواده هر روز شلوغ‌تر می‌شود و مهر طلاق روی زندگی‌های بسبب‌اری می‌خورد، زیر پا ماندن اخلاق است. خیلی زندگی‌هایی که این‌گونه به فسخ می‌رسد، از سر کوچک‌شدن سفره‌هایی است که با عده‌های داده‌شده روی فرش خانه‌ها پهن شده‌بودند، اما معطل ماندن وعده‌ها به برچیده‌شدن سفره‌های زندگی منجر شده‌است! آسیب‌هایی که از مجرای اقتصادی به جامعه سرایت می‌کند، هم کرامت انسانی را لکه‌دار می‌کند و هم سبب می‌شود افرادی که این‌گونه کرامت انسانی از آنها سلب می‌شود، به خود و دیگران آسیب برسانند. خیلی از کسانی که حیات‌شان با کارتن‌خوابی، اعتیاد، سرفرت و کلاهبرداری سپری می‌شود، تاب‌آوری‌شان در زندگی با نابرابری‌های اجتماعی برابری نمی‌کند، از همین‌رو از بستر اجتماعی به چرخه آسیب‌های آن سقوط می‌کنند. مصداق روشنی از سخنان آیت‌الله العظمی جوادی آملی در دیدار دو سال قبل رئیس دولت با پیشانان برای محفوظ ماندن کرامت انسانی مطرح است که جا دارد دولت به آن رجوع کند. آیت‌الله تأکید دارند «مسئولان باید همت بلند داشته باشند و بدانند مدیریت و اقتصاد یک کار علمی است، باید همه تلاش کنند که مردم محترمانه و آبرومندانه زندگی کنند. فقر به معنای نداشتن و نداری نیست، اسلام به شخص ندار، فقیر نمی‌گوید! در فرهنگ اسلام، فقیر کسی است که ستون فقراتش شکسته است، چنین فردی به هیچ‌کس اعتماد نخواهد کرد. در بیان قرآن، اقتصاد عامل قیام و ایستادگی جامعه است. اگر اقتصاد خراب باشد و ستون جامعه مشکل داشته‌باشد، مجبور خواهد بود به دیگران باج بدهد. خداوند مردم را «کریم» آفرید؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، روی این اصل کشور را کمیته‌امدادی اداره کردن برخلاف فرهنگ خلقت است. خداوند انسان را با کرامت خلق کرد و دستور داد کرامت انسان محفوظ باشد.»



انفجار گاز خانه‌ای را ویران کرد

انفجار گاز در یکی از ساختمان‌های مسکونی خیابان اجاره‌دار باعث تخریب خانه و سوختگی یکی از ساکنان شد.

ساعت ۱۹:۳۰ شامگاه دوشنبه آتش‌نشانان دو ایستگاه از انفجار ساختمانی مسکونی در خیابان اجاره‌دار باخبر و در محل حاضر شدند. حمیدرضا سمعی از افسران آتش‌نشانی که در محل حاضر شده بود، گفت: محل حادثه یک ساختمان مسکونی دو طبقه بود که طبقه دوم ساختمان به دلیل انفجار گاز شهری دچار تخریب شده بود و در زمان رسیدن آتش‌نشانان به محل حادثه نمای بیرونی آن و قسمت‌های دیگر ساختمان مانند راه‌پله‌ها و در و پنجره‌های ساختمان کاملاً تخریب شده بود.

وی افزود: شدت این انفجار به حدی زیاد بود که شیشه‌های بسیاری از خانه‌های اطراف را نیز شکست و خسارت و آسیب زیادی به چند دستگاه خودروی سواری که در داخل کوچه پارک شده بود، وارد کرد.

وی درباره عملیات آتش‌نشانان گفت: نیروهای عملیات پس از رسیدن به محل حادثه همزمان با ایمن کردن محل، تمامی طبقات را بررسی کردند که در جستجوی خانه یک مرد ۲۶ ساله را که به شدت دچار سوختگی شده بود پیدا کردند و به امدادگران اورژانس تحویل دادند.



مفقودی

برگ سبز خودرو و تویوتا کولاجی آی مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره‌ای متالیک و شماره پلاک ایران ۲۱-۳۲۷ص ۹۶ و شماره موتور ۱۳۰۵۰۶۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۶۶۵۴۲۰ متعلق به احمد گندهی با کد ملی ۱۹۳۰۰۸۴۹۳۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

مفقودی

برگ سبز خودرو و سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۱ به رنگ مشکی معمولی و شماره پلاک ایران ۲۴-۹۲۸ و شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۰۴۸۷۷ و شماره شاسی IN۸۱۵۰۵۷۷۰ به مالکیت عباس بااحمدی با کد ملی ۱۸۸۱۲۳۸۳۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
الف‌ل

مفقودی

برگ سبز خودرو و تویوتا کولاجی آی مدل ۲۰۱۵ به رنگ سفید صدفی متالیک و شماره پلاک ایران ۱۰-۴۱۲۴۵۷ و شماره موتور ۳۲R۷۵۰۹۷۳ و شماره شاسی RKLBLAHE۹۴۵۲۳۹۱۶ متعلق به محبوبه اصفهانی با کد ملی ۰۰۴۲۸۲۲۷۰۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
البرز

به جوان دوباره نگاه کن

Javanonline.ir